



نگاهی به جرائم تخریب و احراق در حقوق کیفری ایران

دکتر مسین میرمحمد صادقی

(دانشیار) دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، رئیس

دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری و سفنگوی قوه قضاییه)

هیچ گونه صدمه و تخریبی به آن وارد نشود - به نظر نگارنده، برای تحقق جرم احراق کفایت نمی‌کند. (۳)

علی‌رغم تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مصون بودن مال اشخاص از تعرض (اصل ۲۲) (۴) و محترم بودن مالکیت شخصی (اصل ۴۷) (۵) که اصل چهل و چهارم (۶) آن را به حق موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور دانسته، در قوانین ایران، از جمله در «قانون تعزیرات» مصوب سال ۱۳۷۵، تعریفی از جرم تخریب ارائه نشده و فقط به ذکر مصادیقی از آن بسنده شده است. این مصادیق، از جمله در فصول هفتم، نهم و بیست و پنجم قانون اخیرالذکر و فصل نهم «قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح» مصوب سال ۱۳۷۱ یافت می‌شوند. که ما در ادامه این بخش به برخی از این مصادیق که

در کانادا آن چه می‌تواند موضوع جرم احراق قرار گیرد در بخش (۱) ۳۸۹ «قانون جزا» مشخص شده و شامل چیزهایی مثل ساختمان، کشتی، هواپیما، محصولات و نظایر آنها می‌شود و بدین ترتیب دامنه شمول این جرم از کامن لای قدیم که فقط اموال غیرمنقول را در بر می‌گرفت فراتر رفته است. (۲) بخش (۲) ۳۸۹ قانون جزای کانادا نیز جرم آتش زدن از روی سهل انگاری را مستوجب کیفر دانسته است.

اشاره به این نکته مفید به نظر می‌رسد که برای تحقق جرم احراق، شعله‌ور شدن مال نه لازم است و نه کافی؛ یعنی از یک سو، چه بسا مال بدون شعله‌ور شدن بسوزد و خاکستر شود و در نتیجه جرم احراق محقق گردد و از سوی دیگر، صرف شعله‌ور شدن مال - در صورتی که به دلیل جنس خاصی که آن مال دارد

از لحاظ لغوی، واژه تخریب مصدر متعدی باب تفعیل از ریشه «خ ر ب» و به معنای خراب کردن، ویران ساختن و نابود کردن است.

یکی از مصادیق بارز این جرم که معمولاً در نظام‌های حقوقی مختلف به‌طور خاص به آن پرداخته می‌شود، تحریق یا احراق به معنای سوزاندن است که غالباً ترس و وحشت و نیز خسارت بالفعل و بالقوه بیشتری نسبت به سایر انواع تخریب ایجاد می‌کند و به همین دلیل مجازات بیشتری را نیز در پی دارد. برای مثال در حقوق انگلستان، به موجب بخش (۱) «قانون تخریب کیفری» مصوب سال ۱۹۷۱ م. مجازات خراب کردن یا ایراد خسارت به‌طور عمد یا از روی سهل انگاری به مال متعلق به غیر، حداکثر ده سال حبس و مجازات آتش زدن آن حداکثر حبس دائم است. (۱)

بیشتر به یک جرم علیه امنیت و آسایش عمومی شبیه می‌باشند اشاره کرده آنها را مورد بحث قرار خواهیم داد.

با ملاحظه مصادیق جرم تخریب، مذکور در قوانین مختلف، این جرم را می‌توان چنین تعریف کرد: «نابود کردن^(۷) یا خسارت وارد آوردن عمدی^(۸) به مال متعلق به غیر». بدین ترتیب، «نابود کردن یا ایراد خسارت به مال متعلق به غیر» عنصر مادی جرم و «عمدی» بودن عمل عنصر روانی آن است.

از میان آنچه به‌عنوان عنصر مادی جرم تخریب به آن اشاره کردیم، نابود کردن یا خسارت وارد آوردن عبارت از عمل فیزیکی جرم و «مال» بودن آنچه نابود می‌شود یا خسارت می‌بیند و نیز تعلق آن به غیر جزء «شرایط و اوضاع و احوال» لازم برای تحقق جرم می‌باشند.^(۹) تفاوت بین نابود کردن و خسارت زدن آن است که اولی از بین بردن کلی مال است، مثل آتش زدن کتاب، خراب کردن دیوار یا کشتن حیوان، در حالی که دومی، یعنی صدمه زدن به مال بدون از بین بردن آن، مثل پاره کردن کتاب، رنگ پاشیدن بر روی دیوار و شکستن پای حیوان. البته نابود کردن یا خسارت زدن به مال با توجه به طبیعت و ماهیت مال تعیین می‌شود. یک عکس با پاره شدن، یک دیوار یا لباس با پاشیده شدن رنگ بر روی آن، یک دندان مصنوعی با کنده شدن از لثه، یک کیف یا گاو صندوق رمزدار با بر هم خوردن شماره رمز آن (که به سهولت قابل بازیافت نیست) و یک تابلو که از هزاران قطعه مختلف تشکیل شده با بر هم خوردن ترتیب قطعات صدمه می‌بینند. همین‌طور شکستن پای یک اسب سواری به معنای نابود کردن آن است، چون هیچ فایده معقول دیگری برای آن قابل تصور نیست، در حالی که شکستن پای یک گوسفند را فقط می‌توان ایراد خسارت به آن محسوب کرد، چرا که گوسفند با پای شکسته نیز منافعی در بردارد و البته در هر دو حالت، عمل مشمول مقررات کیفری تخریب است.^(۱۰)

عمل فیزیکی در عنصر مادی معمولاً به شکل فعل مثبت ارتکاب می‌یابد؛ ولی تصور تحقق این جرم با ترک فعل هر چند دشوار لکن ممکن است، مثل این که سوزن‌بانی عمداً مانع را فرود نیآورد تا اتومبیلی بر اثر تصادف با قطار در حال عبور خسارت ببیند یا مسئول برق کارخانه‌ای با عدم قطع به موقع برق از روی عمد، باعث بروز آتش‌سوزی در آن کارخانه شود.

در حقوق انگلستان نیز در موارد بسیار معدود، دادگاه‌ها حکم به تحقق تخریب با ترک فعل داده‌اند. بارزترین نمونه به نظریه «وظیفه اقدام»^(۱۱) مربوط می‌شود. در دعوی «میلر»^(۱۲) در سال ۱۹۸۳ م. متهم خانه‌ای را بدون اجازه تصرف کرده و با یک سیگار روشن به خواب رفته بود. وی پس از بیدار شدن دریافت که تشک در حال سوختن است، ولی بی‌اعتنا به این امر به یک اتاق دیگر رفت و

علی‌رغم تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مصون بودن مال اشخاص از تعرض (اصل ۲۲) و محترم بودن مالکیت شخصی (اصل ۴۷) که اصل چهل و چهارم آن را به حق موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور دانسته، در قوانین ایران، از جمله در «قانون تعزیرات» مصوب سال ۱۳۷۵، تعریفی از جرم تفریب ارائه نشده و فقط به ذکر مصادیقی از آن بسنده شده است.

خواهید. در پاسخ به اتهام احراق، مذکور در مواد (۱) و (۳) «قانون تخریب کیفری»^(۱۳) مصوب سال ۱۹۷۱ م. وی اظهار داشت که در زمان ارتکاب عنصر مادی آتش زدن، وی در خواب بوده و بنابراین عنصر مادی و روانی تقارن زمانی نداشته‌اند.^(۱۴) دادگاه بدوی به این استناد که خود او مسبب حادثه بوده و وظیفه خاموش کردن آتش را برعهده داشته و در واقع عنصر مادی همان خاموش نکردن آتش تشک بوده، وی را محکوم کرد. دادگاه استیناف محکومیت را تأیید، ولی مبنای محکومیت را «مستمر» بودن فعل مرتکب اعلام کرد و در نتیجه، شرط تقارن را محقق دانست. مجلس اعیان محکومیت متهم را مورد تأیید قرار داد، ولی بر خورد دادگاه بدوی را پذیرفت.^(۱۵)

نابود کردن یا ایراد خسارت لزوماً نسبت به «مال» صورت می‌گیرد؛ یعنی نسبت به آنچه شرع و عرف دادن مابه‌ازای اقتصادی در قبال آن را تأیید می‌کند؛ از قبیل میز، صندلی، خودرو، حیوان و غیره. ولی هرگاه کسی مشروبات الکلی یا مواد مخدر را از بین ببرد یا هوای خانه دیگری را با دود و مواد مسموم‌کننده آلوده سازد و یا انسانی را مضروب کند مشمول مقررات راجع به تخریب مال قرار نخواهد گرفت.^(۱۶)

همین‌طور اموال غیرعینی و غیرملموس مشمول عنوان تخریب قرار نمی‌گیرند، مثل این که کسی به طلب یا حق اختراع یا اسرار تجاری دیگری صدمه‌ای وارد کند و یا با دست‌کاری در برنامه رایانه آن را مختل سازد. این شرط در حقوق انگلستان نیز وجود دارد و این موارد تخریب کیفری محسوب نمی‌شوند و این امر یکی از تفاوت‌های موجود بین تخریب و سرقت در حقوق انگلستان است.^(۱۷) هر چند که مورد اخیر، یعنی دست‌کاری در برنامه و داده‌های رایانه بدون ایراد صدمه فیزیکی به دستگاه، به‌موجب بخش (۶) ۳ «قانون سوءاستفاده از رایانه»^(۱۸) مصوب سال ۱۹۹۰ م. جرم

خاصی محسوب می‌گردد. (۱۹)

برای تحقق جرم تخریب، قصد ایراد خسارت یا نابود کردن مال متعلق به غیر، ضروری است؛ ولی ضرورتی ندارد که قصد نابود کردن و خسارت وارد آوردن نسبت به همان مالی وجود داشته باشد که عملاً نابود شده یا خسارت دیده است. بنابراین، هرگاه کسی، مثلاً به قصد شکستن ساعت متعلق به غیر، آن را بر روی شیشه خودرو متعلق به او بکوبد، ولی به جای شکسته شدن ساعت، شیشه خودرو بشکند، وی مرتکب جرم تخریب کیفری شده است. (۲۰) در صورتی که ساعت و خودرو متعلق به دو فرد مختلف باشند نیز ظاهراً همین حکم جاری خواهد بود، مگر آن که یکی از آن دو شیء متعلق به خود مرتکب باشد یا در هر حال او حق تخریب آن را داشته باشد. توضیح آن که در مثال ذکر شده، در صورت تعلق «ساعت» به خود مرتکب، وی به دلیل فقدان عنصر روانی، و در صورت تعلق «خودرو» به وی، به دلیل عدم تحقق یکی از «شرایط لازم» برای عنصر مادی، که همانا تعلق مال تخریب شده به دیگری است، مرتکب جرم تخریب محسوب نخواهد شد. بدیهی است در حالت دوم، تحقق شروع به تخریب بعید به نظر نمی‌رسد، به شرط آن که در قانون برای شروع به تخریب مجازاتی تعیین شده باشد.

در حقوق انگلستان نیز وجود نظریه «شر انتقال یافته» (۲۱) به معنای آن است که در همه مواردی که کسی قصد چارتکاب جرمی را علیه فرد یا مال خاص دارد، ولی فرد یا مال دیگری صدمه می‌بیند، مرتکب همچنان از لحاظ کیفری مسئول است.

بحث از عنصر روانی جرم تخریب را با طرح و بررسی یک سؤال مهم دیگر به پایان می‌رسانیم و آن این است که باتوجه‌جبهه پیش‌بینی جرم خاص احراق در قانون (مثلاً در مواد ۶۷۵ و ۶۷۶ «قانون تعزیرات» مصوب سال ۱۳۷۵) آیا می‌توان کسی را که فقط قصد خسارت زدن به مال را دارد، ولی مال

تفاوت بین نابود کردن و فسارت زدن آن است که اولی از بین بردن کلی مال است، مثل آتش زدن کتاب، خراب کردن دیوار یا کشتن میوهان، در حالی که دومی، یعنی صدمه زدن به مال بدون از بین بردن آن، مثل پاره کردن کتاب، رنگ پاشیدن بر روی دیوار و شکستن پای میوهان. البته نابود کردن یا فسارت زدن به مال باتوجه به طبیعت و ماهیت مال تعیین می‌شود

اتفاقاً یا به هر حال بدون پیش‌بینی او آتش می‌گیرد محکوم کرد؟ فرض کنید کسی قصد دارد با ریختن بنزین بر روی فرش متعلق به دیگری آن را آلوده کند و در نتیجه، خسارت شست و شوی آن را به صاحبش تحمیل کند یا با انداختن خودرویی به ته دره باعث خرد شدن شیشه‌های آن شود. حال در صورت آتش گرفتن فرش و خودرو بلافاصله بعد از ریخته شدن بنزین و یا پرتاب شدن خودرو، مسئولیت کیفری مرتکب چگونه خواهد بود؟

بین حقوقدانان انگلیسی در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. برخی چون پرفسور ویلیامز اعتقاد دارند که احراق و تخریب دو جرم متفاوتند و در نتیجه نمی‌توان به نظریه «شر انتقال یافته» استناد کرد و مرتکب را محکوم ساخت. (۲۲) برخی دیگر، مثل پرفسور آشورت، معتقدند که این دو جرم ماهیتاً دو جرم متفاوت نیستند و بنابراین، به

استناد نظریه «شر انتقال یافته»، چنین فردی را می‌توان به ارتکاب جرم احراق محکوم کرد. (۲۳) بدیهی است قبول هر یک از این دو نظر، آثار متفاوتی را در دعوی مثل دعوی «فالکنر» (۲۴) بر جای خواهد گذاشت که در آن، متهم برای دزدیدن قدری مشروب از یک بشکه وارد محل مربوط در کشتی شد. او بشکه را سوراخ کرد و بعد، برای این که روشنایی محل را افزایش دهد، کبریتی را روشن کرد که موجب آتش گرفتن بشکه حاوی مشروبات و بعد تمام کشتی شد. آیا اولاً این فرد را می‌توان اساساً به ارتکاب جرم تخریب محکوم کرد یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، محکومیت وی باید به واسطه ارتکاب جرم تخریب ساده باشد یا به جرم احراق؟

نظر نگارنده آن است که دو جرم احراق و تخریب ساده از لحاظ قانونگذار ایران دو جرم ماهیتاً متفاوت نیستند، بلکه احراق یکی از شیوه‌های ارتکاب جرم تخریب و باعث تشدید مجازات آن است؛ همچنان که مثلاً خفه کردن یکی از شیوه‌های ارتکاب قتل محسوب می‌شود. بدین ترتیب (۲۵) همین که قصد تخریب مال از ناحیه مرتکب احراز گردد، در صورت آتش گرفتن مال، وی را می‌توان به ارتکاب جرم احراق محکوم کرد. بدیهی است در صورتی که معتقد به متفاوت بودن این دو جرم از یکدیگر باشیم، باید متهمی را که به قصد ارتکاب تخریب ساده مرتکب جرم احراق می‌شود تبرئه کنیم. در چنین صورتی، محکوم کردن وی به تخریب ساده نیز موجه نخواهد بود، چرا که «ماوقع لم یقصد و ما قصد لم یقع». بدین ترتیب در چنین مواردی حد وسط وجود ندارد. یا باید متهم را مطابق یک نظر، تبرئه کنیم و یا او را با پذیرش نظر دیگر، به ارتکاب جرم احراق محکوم سازیم. البته با پذیرش نظری که این دو جرم را ماهیتاً متفاوت می‌داند نیز شاید بتوان فقط در یک صورت متهم را به ارتکاب جرم تخریب ساده محکوم کرد و آن وقتی است که بین تخریب و آتش گرفتن، فاصله زمانی وجود داشته باشد، مثلاً

فرش آغشته به بنزین شود و ساعتی بعد آتش بگیرد یا خودرو پرتاب شده به ته دره پس از ساعتی دچار حریق گردد.

پی نوشت‌ها

۱. در کامن لای قدیم احراق فقط در مورد اموال غیرمنقول پیش بینی شده بود. در حقوق کانادا، به موجب بخش (۱) ۳۸۹ قانون جزا، اموالی که می‌توانند موضوع جرم احراق قرار گیرند احصا شده و شامل چیزهایی مثل ساختمان و معدن و کشتی و هواپیما و مصالح جنگی و محصولات کشاورزی و جنگلها و نظایر آنها می‌شوند. در مورد سایر اموال منقول، مطابق بخش (۲) ۳۸۶، محکومیت به ارتکاب جرم احراق منوط به احراز عنصر «تدلیس» می‌باشد. رجوع کنید به:

Mwett& Manning, Criminal Law, pp. 678 _ 680.

در آمریکا در ایالاتی مثل هاوایی، حداکثر مجازات برای جرم احراق ده سال حبس و در ایالاتی مثل تگزاس و آی‌باما حداکثر حبس دائم است. دلیل برخورد شدید با جرم احراق آن است که ارتکاب این جرم همه ساله در این کشور صدها نفر را کشته و هزاران نفر را مجروح می‌سازد و بیش از یک میلیارد دلار خسارت وارد می‌کند. رجوع کنید به:

J.Samaha, Criminal Law, Belmont, Wadsworth, 1999, p.463.

۲. مقایسه کنید با ماده ۶۷۵ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۲۵ که در ادامه مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۳. در این مورد، رجوع کنید به دعوای کانادایی: Gorgenson (1954) C.C.C 30 (B.C.C.A.)

۴. مطابق اصل ۳۲: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». شبیه همین حکم در اصل نهم متمم قانون اساسی مشروطیت نیز پیش بینی شده بود.

۵. به موجب اصل ۴۷: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند».

۶. اصل چهل و چهارم پس از تأکید بر این که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است، اضافه می‌کند: «مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است».

7. destroy

8. damage

۹. در مورد تفکیک عنصر مادی به رفتار فیزیکی، شرایط

و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم و نتیجه حاصله، رجوع کنید به: جرائم علیه امسوال و مالکیت، اثر نگارنده، ص ۵۵-۵۳.

۱۰. در این مورد توجه به رأی شماره ۱۰۰۰ مورخ ۱۳۱۹/۴/۱۵ شعبه دوم دیوان عالی کشور خالی از فایده نیست. به موجب این رأی: «شکستن پای گاو مشمول ماده ۲۵۶ قانون کیفر عمومی نیست، زیرا موضوع ماده مزبور، چنان که در خود آن ماده تصریح شده، غیر از حیوانات مذکور در ماده ۲۵۵ (دواب و مواشی) می‌باشد و گاو از حیوانات مذکور در ماده اخیر است که در آن نقصان ذکر نشده تا بتوان شکستن پای او را مشمول آن دانست. هر چند فلسفه بزه قرار دادن صدمه به حیوانات مذکور در دو ماده نامبرده اقتضا دارد نقصانی هم که بر اثر صدمه وارده در چنین موردی حاصل می‌شود بزه محسوب گردد، لکن با ذکر نشدن نقصان در ماده اخیر و نبودن گاو از حیوانات مذکور در ماده ۲۵۶ و نبودن مستند صریح قانونی دیگری نمی‌توان گفت صدمه باعث نقصان به حیوانات مشمول ماده ۲۵۵ بزه قابل کیفر است، اگرچه قانون از این حیث ناقص تلقی گردد». در حال حاضر ماده ۶۷۹ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۲۵ به مسموم، تلف یا ناقص کردن حیوانات حلال گوشت اشاره دارد. متن مواد ۲۵۵ و ۲۵۶ قانون مجازات عمومی سابق به شرح زیر

با ملاحظهٔ مصادیق جرم

تفریب، مذکور در قوانین

مختلف، این جرم را می‌توان

چنین تعریف کرد: «نابود کردن

یا فسارت وارد آوردن عمدی به

مال متعلق به غیر».

ترتیب، «نابود کردن یا ایراد

فسارت به مال متعلق به غیر»

عنصر مادی جرم و «عمدی»

بودن عمل عنصر روانی آن

است

است:

ماده ۲۵۵: «هر کس عمداً و بدون ضرورت دواب و مواشی دیگری را مسموم یا تلف کند یا ماهی موجود در نهر یا غدیر یا حوض یا غیر آن‌ها را که مال دیگری است مسموم کند، محکوم به حبس تأدیبی از یازده روز الی شش ماه یا تأدیه غرامت از شش الی پنجاه تومان خواهد شد».

ماده ۲۵۶: «هر کس یکی از حیوانات اهلی حلال گوشت دیگری را غیر از آنچه در ماده ۲۵۵ مذکور است عمداً بکشد یا سم دهد یا ناقص کند به حبس تأدیبی از یازده روز تا یک ماه یا تأدیه غرامت از شش الی یازده تومان محکوم خواهد شد».

II.duty theory

12.Miller (1983)2 A.C.161.

13.Criminal Damage Act,1971.

۱۴. راجع به این شرط در ادامه به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۱۵. در مورد این دعوا رجوع کنید به: تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه نگارنده، ص ۶۷.

۱۶. برای بحث تفصیلی تر راجع به «مال» و معنا و مفهوم آن رجوع کنید به: جرائم علیه اموال و مالکیت، اثر نگارنده، ص ۲۰۳-۲۰۲.

17.See:Card,Cross & Jones,Criminal Law,p.343.

18.The Computer Misuse Act 1990.

۱۹. همین‌طور رجوع کنید به بخش (۱) (۱) ۴۳۰ قانون جزای کانادا و بخش ۷۶ قانون جرائم (Crimes Act) در استرالیا، مصوب سال ۱۹۱۴ م.

۲۰. این قاعده علی‌الاصول در همه جرائم مجری است، لکن در مورد حکم قتل، رجوع کنید به: ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۲۰ که اشعار می‌دارد: «در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی‌گناه دیگری اصابت کند، عمل او خطای محض محسوب می‌شود».

21.see:smith&Hogan,Criminal Law p.693.

22.Williams.G,Textbook on Criminal Law,2nd ed.,p.913.

23.A.J.Ashworth,Transferred Malice and punishment for Unforeseen Consequences in P.R. Gl3brook (ed.) Reshaping the Criminal Law, 1976, p. 77 at p.92.

24.Faulkener (1877) 13 Cox 550.

۲۵. برای بحث مشابهی در این مورد در باره معاونت در کلاهبرداری ساده و مشدد و نیز معاونت در سرقت مستوجب حد و سرقت مستوجب تعزیر، رجوع کنید به: جرائم علیه اموال و مالکیت، اثر نگارنده، ص ۱۰۲ و ص ۳۱۴.